

من و آنگے

سدا انسان شگفت انگیز

آر. جی. پالاسیو

ترجمہ: نیلوفر داد



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : من و آگی، سه داستان شگفت‌انگیز / آر. جی. پالاسیو؛ ترجمه نیلوفر داد؛
مشخصات نشر : تهران: امروز ما؛ قاصدک صبا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۴۸ ص: مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۷۳-۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : عنوان اصلی: Auggie & me : three wonder stories, 2015.
موضوع : داستان‌های نوجوانان آمریکایی -- قرن ۲۱م.
موضوع : Young adult fiction, American-- 21st century :
سناپ افزوده : داد، نیلوفر، ۱۳۶۲ - مترجم
ثابته افزوده : رازقی، نوگل، ۱۳۵۶ - ویراستار
رده‌بندی کنگر : PS۳۶۰۴
رده‌بندی یویی : [ج] ۸۱۳/۶
شماره کنشنامه ملی : ۵۹۸۳۵۹۰



من و آگی سه داستان شگفت‌انگیز

* ناشر: امروز ما * نویسنده: آر. جی. پالاسیو * مترجم: نیلوفر داد * ویراستار: نوگل رازقی
* ناظر فنی: اسماعیل سهرابی * حروفچینی: امروز ما * صفحه‌آرایی: حامد هاشمی مقدم
* لیتوگرافی: باختر
* نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۹ * شمارگان: ۵۰۰ نسخه * قیمت: ۵۱۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۷۳-۴-۰

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - کوچه ماستری فراهانی - پلاک ۲۱

تلفن: ۶۶۹۷۴۷۲۸ - ۶۶۴۸۶۴۰۴

instagram: ghasedaksaba-pub

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه
۱۵	فصل جولین
۱۱۳	پلوتون
۲۰۵	شینگالینگ

مقدمه

شخصی از میان حضار پرسید: «کتاب شگفتی دنباله نداره؟»
کمی شرمزده پاسخ دادم: «نه، متأسفم. به نظرم شگفتی از اون کتاب‌هایی نیست که نیازی به ادامه داشته باشه. دوست دارم فکر کنم طرفدارهای شگفتی خودشون، اتفاقاتی رو که برای آگی پولمن و دیگر افراد زندگی‌اش رخ می‌ده حدس می‌زنن.»

مکالماتی از این دست تقریباً در همه بخش‌های امضاها، سخنرانی‌ها و خوانش‌هایی که بعد از چاپ شگفتی در ۱۰ فوریه ۲۰۱۲ انجام داده‌ام، بین من و مخاطبانم صورت گرفته است. این سؤال در کنار سؤال‌هایی چون «آیا در آینده از شگفتی فیلمی هم ساخته خواهد شد؟» و «چه چیز الهام‌بخش شما برای نوشتن «شگفتی بود؟» بیش از همه از من پرسیده می‌شود.

با این وجود، حالا من این جانشسته‌ام و برای کتابی که دلایل متعدد کتاب مکمل شگفتی است، مقدمه می‌نویسم. سؤال این جاست که دقیقاً چگونه این اتفاق افتاد.

برای پاسخ به این پرسش باید کمی راجع به شگفتی صحبت کنم. اگر شما کتاب حاضر را خریده‌اید یا هدیه گرفته‌اید، به احتمال بسیار زیاد، شگفتی را خوانده‌اید. پس نیازی نیست چیز زیادی راجع به آن بگویم. همین اندازه کفایت می‌کند که بگویم شگفتی در مورد یک پسر بیچه ده‌ساله با صورت و مجموعه‌ای متفاوت، به اسم آگی پولمن است که به عنوان یک دانش‌آموز

جدید در مدرسه بیچر پرپ با مشکلاتی مواجه می‌شود. ما این سیر و سفر را از زاویه دید او و چند شخصیت دیگر می‌بینیم که در این سال تحصیلی بسیار مهم، زندگی‌شان با زندگی او تلاقی پیدا کرده است و بینش آن‌ها، درک و فهم خواننده از سیر و سفر آگی برای پذیرش خود را بالا می‌برد.

در این کتاب راجع به شخصیت‌هایی که در قالب زمانی سال پنجم، داستان‌شان به موازات داستان آگی، پیش نمی‌رود حرفی زده نمی‌شود یا از آن‌ها بی‌نمی‌شنویم که شناخت‌شان از آگی آن‌قدر محدود است که نمی‌توانند شخصیت او را به ما بشناسانند. فارغ از همهٔ مسائل، شگفتی، از ابتدا تا انتها داستان زندگی آگی است و من سختگیرانه کوشیدم تا داستان او را به شیوه ساده و مختصر، بیان کنم. اگر شخصیتی داستان را به جلو پیش نراند — یا داستان بی‌پایان کرد که به صورت موازی با رویدادهای شگفتی، یا قبل و پس از آن پیش رفته است، پس این شخصیت در کتاب فرصت اظهارنظر نیافته است. البته این به این معنا نیست که برخی از شخصیت‌های فرعی، داستان جالبی برای سریف آوردن داشتند. داستان‌هایی که ممکن بود تا حدی انگیزه‌های آن‌ها را فاش کند، حتی اگر این افشاگری‌ها مستقیماً بر آگی تأثیری نداشتند و همین سر، دلیل وجود آمدن این کتاب است.

واضح‌تر بگویم: «من و آگی» دنبالهٔ کتاب شگفتی نیست. این کتاب، از جایی که شگفتی پایان یافته، ادامه پیدا نمی‌کند. این کتاب ادامه داستان آگی پولمن و مشکلاتش در مدرسه راهنمایی نیست. در واقع آگی تنها یک شخصیت فرعی در این داستان‌ها است. این کتاب در واقع دنیای آگی را بسط می‌دهد. سه داستان کتاب «من و آگی» — فصل جولیان، پلوتون و شینگالینگ که ابتدا، به عنوان داستان‌های کوتاه برای ای بوک منتشر شدند — به ترتیب از زوایای دید جولیان، کریستوفر و شارلوت بیان شده‌اند. آن‌ها سه راوی کاملاً متفاوت هستند و داستان شخصیت‌هایی را بیان می‌کنند که تنها گاهی اوقات در داستان یکدیگر ظاهر می‌شوند. با این حال تمام آن‌ها یک وجه

اشتراک دارند و آن، آگی پولمن است. حضور آگی در زندگی آن‌ها همانند یک کاتالیزور عمل می‌کند که هر کدام این شخصیت‌ها از طریق او به روش‌های نامحسوس و نه‌چندان نامحسوس، متحول می‌شوند. «من و آگی» در مفهوم متداول و مرسوم هم، ادامه داستان شگفتی نیست. چون داستان آگی به جز یک دور تند و کوتاه در فصل جولیان، که پایانی مطلوب برای طرح داستان جولیان / آگی فراهم می‌کند دیگر ادامه نمی‌یابد. اما به غیر از این، خواننده نمی‌فهمد چه اتفاقی برای آگی پولمن در کلاس ششم یا در دبیرستان، یا بعد از آن می‌افتد. من می‌توانم تضمین کنم که هرگز کتابی در ادامه شگفتی نوشته نخواهد شد. این یک امر مثبت است. چون یکی از زیباترین نتایج فرعی «شگفتی»، بهال‌پوری‌هایی است که طرفداران «شگفتی» داشته‌اند. آموزگاران در کلاس‌های درس، داستان شگفتی استفاده می‌کنند و از دانش‌آموزان می‌خواهند تا خود را به جای آگی از شخصیت‌ها بگذارند و یک فصل در مورد آگی، سامر، یا جک بنویسند. من داستان‌هایی خوانده‌ام که به ویا، جاستین یا میراندا اختصاص داده شده‌اند. فصل‌هایی که از زاویه دید آموس، مایلز و هنری نوشته شده‌اند. حتی فصل «ریاه و تکان‌دهنده‌ای خوانده‌ام که یک کودک از زاویه دید دیزی نوشته بود. اما احتمالاً تأثیرگذارترین داستان‌ها در مورد آگی، آن‌هایی بود که خوانندگان از نوجوانی به او تعلق خاطر پیدا کرده بودند. بعضی از کودکان، با اطمینان می‌گفتند که آگی در آینده فضاورد خواهد شد، یا معلم، یا دام‌پزشک. در ضمن، آن‌ها این چیزها را با اطمینان کامل می‌گویند، نه با تردید و نه با حدس و گمان. پس من در جایگاهی نیستم که با آن‌ها مخالفت کنم. و چرا باید کتابی در ادامه شگفتی بنویسم که تمام این گزینه‌ها را محدود می‌کند؟ تا جایی که به من مربوط می‌شود، آگی، آینده‌ای روشن و شگفت‌انگیز و سرشار از امکانات خواهد داشت.

مایه سعادت من است که خوانندگان شگفتی به آن اندازه به او احساس نزدیکی می‌کنند که خودشان آینده او را مجسم سازند. می‌دانم آن‌ها درک

خواهند کرد که چرا تصمیم گرفتم «شگفتی» را در یک روز شاد در زندگی آگی به پایان برسانم، البته بدین معنا نیست که او حتماً در آینده زندگی شادی خواهد داشت.

او بدون شک با چالش‌های بیشتری روبه‌رو خواهد شد؛ مشکلات جدید، دوستان جدید، جک‌ها و جولیان‌ها و البته سامرهای دیگر. با توجه به راهکارهایی که آگی برای از سر گذراندن هر چه بهتر دشواری‌ها و ناملايمات سال اول حضورش در مدرسه بیچر پرپ به کار بُرد، خوانندگان درک خواهند کرد که او ابزار لازم برای مقابله با سختی‌هایی را که زندگی بر سر راهش قرار می‌دهد، در خرد دارد. چالش‌ها را تاب خواهد آورد و مستقیم در چشم افرادی که به او رخ می‌شوند، نگاه خواهد کرد (یا با بی‌اعتنایی از کنارشان عبور خواهد کرد) و خانواده شگفت‌انگیزش (ایزابل، نیت و ویا)، در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، کنارش خواهند بود.

الیزابت کوبلر راس^۱ نوشته: «می‌دانم، تنها چیزی که سبب التیام انسان خواهد شد، عشق بدون فیوشرط است.» و همین نکته، ممکن است دلیل تسلیم نشدن آگی در مقابل زخمیایی باشد که توسط واژگان نسنجیده رهگذران یا رفتارهای اشتباه دوست‌ش، به او وارد می‌شوند. او دوستانی نیز دارد - دوستان شناخته‌شده و همچنین دوستان کمتر شنیده‌اش - که در مواقع احتیاج، از او حمایت خواهند کرد.

و در آخر، خوانندگان شگفتی می‌دانند، این کتاب در مورد اتفاقاتی نبوده که برای آگی رخ می‌دهند. این کتاب در مورد چگونگی تأثیرگذاری آگی بر جهان است، که همین امر سبب می‌شود دوباره به موضوع کتاب حاضر، یا دقیق‌تر بگوییم، به سه داستان کتاب «من و آگی» بپردازم.

زمانی که برای بار اول، پیشنهاد نوشتن داستان‌های کوتاه ای بوکی، این سه داستان شگرف، به من داده شد، تردید نکرده و فرصت را غنیمت شمردم - به ویژه از طرف جولیان که از نظر طرفداران شگفتی، تبدیل به منفورترین

۱- Elisabeth Kübler Ross، روانپزشک سوییسی - آمریکایی

شخصیت داستان شده بود.

و از آن جایی که مردم با مسؤولیت خود و بدون اینکه کسی از آن‌ها بخواهد، پوسترهای هشداردهنده مخصوص به خودشان را درست کرده‌اند، اکنون شما می‌توانید، عبارت «آرام باشید و مثل جولیان نباشید» را در گوگل جست‌وجو کنید.



من کاملاً درک می‌کنم چرا جولیان تا این اندازه منفور است. تا این لحظه ما او را فقط از دریچه چشم آگی، جک، سار و جاستین دیده‌ایم. او گستاخ است. او بدجنس است. او خیره می‌سازد و لقب‌هایی که به آگی نسبت داده و تلاش‌هایش برای دشمن کردن هم‌کلاس‌هایش با جک، همه به منزله قلدربازی و زورگویی است. اما این همه خاتم نسبت به آگی از کجا می‌آید؟ مشکل جولیان چیست؟ و چرا این قدر نادان است؟

حتی زمانی که شگفتی را می‌نوشتم، می‌دانستم جولیان نیز استانی برای گفتن دارد. این را هم می‌دانستم که داستان قلدربازی‌اش به دلیل زورگویی‌اش، اثر ناچیزی بر شخصیت آگی می‌گذارد و تأثیری بر طرح داستان ندارد. بنابراین او جایی در «شگفتی» نداشت. این‌ها را نمی‌گویم تا قربانیان زورگویی با شکنجه‌گران‌شان احساس همدردی کنند. به هر حال من ایده کشف و شناخت شخصیت جولیان در یک کتاب کوتاه و مخصوص به خودش را دوست داشتم، نه به این دلیل که کارهایش را توجیه کنم، چون اعمال و رفتارش در «شگفتی» شرم‌آور و دفاع‌ناپذیر است، بلکه می‌خواستم او را بهتر بشناسم.